

تأثیر لقمه حلال و حرام در شکل‌گیری شخصیت از منظر آیات و روایات

داریوش عابدی

کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه و مبانی حقوق

چکیده

نخستین قانون تغذیه، حلال و طیب بودن غذا و موارد مصرفی است. در سوره نحل، آیه ۱۱۴ خداوند می‌فرماید: فقط از روزی حلال و پاکیزه‌ای که خداوند برای شما قرار داده است بخورید. سلامت اندام‌ها و قوای وابسته به اندام‌ها و نهایتاً توانایی‌ها و رفتارهای اندام‌ها یعنی سلامتی جسم و جان لازمه کمال است. به عبارت دیگر با پرورش سالم قلب و قوای قلبی، عضله و قوای عضلانی، همه اندام‌های بدن، جسم و روح و روان را سالم پرورش دهیم تا بتوانیم در اصول رشد و پرورش و رسیدن به کمال و حیات طیبه موفق باشیم. تغذیه حلال لازمه سلامتی است یعنی نخستین و مهم‌ترین رهنمود اسلام برای چیزهایی که ما مصرف می‌کنیم تا سلامت خود را به دست بیاوریم، این است که حلال باشد. یکی از شرایط مال حلال این است که از راه مشروع به دست آمده باشد. به عبارت دیگر از تجاوز به حقوق دیگران، غصب مال دیگران و... به دست نیامده باشد و مال غیر نباشد.

واژه‌های کلیدی: لقمه، حلال و حرام، شکل‌گیری شخصیت، آیات و روایات

مقدمه

حلال به نوعی از فعالیت اقتصادی گفته می‌شود که در چهارچوب قوانین اسلامی و شرعی انجام می‌شود و مهم‌ترین خصوصیت آن نفع خود انسان - چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی - و از طرفی رعایت کردن حق الناس می‌باشد. (صفورایی، ۱۳۹۱)

بنابراین حرمت بخشی از فعالیت‌های اقتصادی بسیار روشن است؛ مانند مالی که از راه دزدی، کلاهبرداری، رشوه، گرفتن، مالی که از راه ربا به دست می‌آید، خوردن مال یتیم، پولی که از راه معامله اشیایی مانند حرام مانند معامله مواد مخدر، قاچاق و غیره به دست می‌آید؛ اما برخی اموال حرام به این روشنی نیست؛ مثلاً افراد شاغل کارهای را که وظیفه آنهاست به درستی انجام نمی‌دهند، کم کاری می‌کنند، کار را اشتباه انجام می‌دهند، یا کسانی که در معاملات اموال خوب و بد را مخلوط می‌کنند و می‌فروشند یا کسانی که اموال خراب را عمدتاً به جای سالم می‌فروشند. (گوهری، ۱۳۷۷) همه موارد فوق مصداق مال حرام به حساب می‌آیند و خوردن آن‌ها اثرات منفی بر خود انسان و فرزندان انسان بر جا می‌گذارند. (حسینی، ۱۳۹۹)

در آموزه های دینی به آثار و پیامد های حلال و حرام پرداخته شده است؛ از جمله اینکه لقمه حلال موجب پاکیزگی و قبولی اعمال در سیر تکاملی شخصیت و تربیت فرزند است. و در طرف مقابل لقمه حرام، سیر تربیتی فرزند را با مشکل اساسی روبرو می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰)

در منابع اسلامی بسیار تأکید شده است که انسان روزی خود و فرزندان خویش را از راه حلال به دست آورد. در بعضی روایات، ائمه طاهرين (عليهم السلام) تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را از شمشیر زدن در میدان جنگ سخت‌تر شمرده‌اند.

روزی حلال از نگاه رسول خدا (ص) در مورد کسب حلال و نیز فعالیت‌های اقتصادی مشروع به روایات بسیاری در منابع اسلامی برمی‌خوریم که ائمه، مؤمنین را به این گونه فعالیت‌ها تشویق می‌کنند؛ مانند آن که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که طلب رزق حلال را واجب و آن را در حکم جهاد معرفی می‌کنند، به کوشش شایسته و نیکو در این راه امر می‌شویم تا آن جا که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی را که در راه به دست آوردن روزی برای خانواده تلاش می‌کند، به مجاهد فی سبیل الله (در راه خدا) تشبیه می‌کنند. (کشاوری، ۱۴۰۰) در مقابل، از بی‌کاری و تنبلی و سربار بر جامعه بودن نهی می‌شویم.

در بحث روزی حلال در این زمینه حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لا تکنوا کلاً علی الناس»؛ یعنی سربار جامعه نباشید. از مطالبی که بیان شد به این نتیجه می‌توان رسید که به طور کلی اسلام با کسب و کار و فعالیت‌های صحیح اقتصادی خیلی اهمیت قائل است و به آن سفارش اکید دارد و از نزدیک شدن به مال حرام و شبهه‌ناک به شدت نهی فرموده است: امام محمدباقر (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: همه گناهان سخت می‌باشند و سخت‌ترین آن‌ها، گناهی است که گوشت و پوست از آن روییده باشد. (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶)

تأثیر منفی مال حرام بر صالح بودن فرزند را در حیظه زمانی می‌توان در نظر گرفت. نخست این که نطفه فرزند زمانی منعقد شود که والدین مال حرام خورده باشد؛ دوم این که مادر در زمان بارداری از مال حرام استفاده کرده باشد و سوم این که در طول دوران کودکی مال حرام بخورد. (مجلسی، ۱۳۸۹ق)

محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه «وَوَشَرَكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» سؤال کرد و عرض کرد که مشارکت شیطان در اولاد به چه معناست. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شِرْكُ الشَّيْطَانِ قَالَ وَ يَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يُجَامِعَ فَيَكُونُ مِنْ نَطْفَتِهِ وَ نَطْفَةِ الرَّجُلِ»؛ یعنی هر مالی که از راه حرام به دست آید، شیطان در او شریک است و اگر کسی اثرات این مال در وجودش باشد و هم‌بستر شود، در نطفه به وجود آمده نیز، شیطان شریک است. (همان)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: هر مالی و هر کودکی که شیطان از آن نفع ببرد، شیطان در آن شریک است؛ زیرا شریک بودن به معنای رسیدن به منافع دو طرفی است. به نظر علامه، این یک معنای کلی است که می‌تواند مصادیق مختلف داشته باشد. یکی از مصادیق آن، نطفه‌ای است که از مال حرام منعقد شده است؛ زیرا شیطان از آن نفع می‌برد.

اگر غذا شبه‌هناک باشد، خطرناک است؛ اما شبهه این غذا را می‌شود با بسم الله و دعا و راز و نیاز رفع کرد؛ اما غذای حرام را هیچ کاری نمی‌شود کرد و وای بر آن بچه‌ای که از غذای حرام نطفه او منعقد شود و بدا به حال بچه‌ای که از پولی که در آن ربا بود یا پولی که در آن غش در معامله کرده است، به وجود آید. آیه‌ای از قرآن کریم است که می‌فرماید: «آن کسانی که غذای حرام می‌خورند، خیال نکنند که غذا می‌خورند؛ بلکه این آتشی است که آنان می‌خورند». (طباطبایی، ۱۳۹۰)

همان‌طور که در علوم پزشکی، تربیتی و روان‌شناسی بر تأثیر تغذیه در زمان بارداری توجه دارد، در اسلام نیز به تغذیه زمان بارداری تأکید شده است. در علوم امروز تنها به مقوی بودن و نوع غذاها توجه شده است؛ اما در اسلام علاوه بر این که این جهت مورد توجه بوده است، (در روایت آمده که حضرت علی فرزند بسیار زیبایی را دید و گفت مادر این فرزند به خورده است؛ یعنی به، تأثیر نوع غذا اشاره کرده است.) به مسئله حلیت و حرمت غذا نیز توجه شده است. در واقع اثرات معنوی غذا به بعد حلیت و حرمت آن مربوط می‌شود. (فجری، ۱۳۹۹)

در پایان باید اذعان کرد که لقمه حلال رزقی است که از راههای مشروع حاصل شود از مهم ترین دستورات اقتصادی اسلام، کسب روزی حلال است. لقمه حلال تاثیرات مستقیم و قابل توجهی در زمینه های مختلف از جمله شکل گیری نطفه و روند رشدی در دوران کودکی دارد و اگر می‌خواهیم فرزندان سالم، متدین و تربیت پذیر داشته باشیم باید منبع درآمد ما حلال باشد. بدا به حال بچه ای که گوشت و پوست واستخوان او از غذای حرام روییده شود، پس زمان بارداری مراقب این امانت الهی باشید که این امانت را خوب تحویل جامعه بدهید. در اهمیت کسب روزی حلال همین بس که به دست آوردن آن به جهاد تشبیه شده است. تلاش برای به دست آوردن روزی حلال در آیات و روایات مورد تاکید قرار گرفته است. اگر فردی لقمه حرام استفاده کند نه تنها خود وی مصدر خیری در جامعه نیست بلکه باعث می‌شود حرام‌خواری در نسل وی تاثیر بگذارد. (عیاشی، ۱۳۷۲) سوال اصلی پژوهش این است که سآیا لقمه حلال و حرام در شکل گیری شخصیت فرزند از منظر آیات و روایات تاثیر دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شاوورزی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان لقمه حرام و آثار آن در زندگی انسان نشان دادند از دیدگاه دین اسلام، اجتناب نکردن از مال حرام مورد نکوهش بوده و حرام است، و اثرات سوئی بر جان و دل آدمی و خانواده او گذاشته و بسیاری از گناهان، ریشه در آلودگی روح آدمی دارد. هم چنین، محیط در رفتار آدمی تاثیر داشته و نقش بسیار اساسی در تربیت یا تخریب شخصیت انسان دارد. علت اینکه انسان لازم است از خوردن مال حرام اجتناب کند، این است که حرام، قلب را تاریک می‌کند و بصیرتش را از بین می‌برد؛ ولی خوردن حلال سبب روشنایی و بینایی دل می‌شود و تاریکی یا روشنایی دل از اعتقاد قلبی پدید می‌آید نه از مالی که انسان به حرام یا حلال بودنش معتقد است. انسان در طول زندگی خود نیازهای مادی متعددی دارد و تامین این نیازها غالباً توسط خود فرد امکان پذیر نیست. لذا ناچار است از دیگران بخواهد که این نیازها را برایش تامین کنند. همین امر روابطی را در میان انسان‌ها به وجود می‌آورد که از آن به روابط اقتصادی تعبیر می‌شود. از آن جایی که مال حرام تاثیر فراوانی بر تمام ابعاد زندگانی بشر اعم از جنبه های جسمانی و روانی وی دارد، لذا در این مقاله سعی

شده که آثار مال حرام بر شخصیت و زندگانی انسان بررسی شود. روش تحقیق حاضر از نوع کتابخانه ای است. در این مقاله پیامدهای مال حرام بر روی ذریه و نسل، تربیت دینی فرزندان، اخلاق، همچنین اثر آن بر رزق و عبادت مورد تحقیق قرار گرفته است. اسلام با بهره گیری از سه نظام فقهی - حقوقی، اخلاقی و نظام تشویق و تنبیه کوشیده است کسب و کار را در راستای هدف تعالی و رشد انسان و در نهایت، رسیدن به مقام جانشینی خداوند قرار دهد. در این رویکرد، کسب و کار ارزشی به فرد می بخشد و می تواند او را تا رتبه «حبیب الله» ارتقا دهد و روشن است که بر سر سفره حبیب خدا جز لقمه حلال نمی توان یافت. لقمه حرام آن چنان فرد را به قهقرا می کشاند که فرد حاضر می شود در برابر ولی خدا قد علم کند.

حسینی و صمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان؛ رابطه اکل مال به باطل با خودکشی با توجه به آیه ۲۹ سوره نساء نشان دادند قرآن کریم توجه ویژه‌ای به موضوع تعاملات انسان ها با یکدیگر و با خودشان دارد؛ و راهکارهایی را برای رفع معضلاتی که به واسطه تعاملات ناصحیح انسان ها با یکدیگر و با خودشان به وجود می آید ارائه می دهد. یکی از راه هایی که به نظر می رسد که قرآن برای مسئله دوری از خودکشی مطرح می کند در آیه ۲۹ سوره نساء است که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به صورت نامشروع نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما، انجام گیرد و خودکشی نکنید.» در این آیه خداوند خودکشی را که امروزه یکی از ناهنجاری های اجتماعی محسوب می شود و طبق آمار سال ۱۳۹۶ به عدد ۵ نفر در هر صدهزار نفر رسیده است، مطرح کرده و به نظر می رسد که این مسئله با مسئله لقمه حرام که در اول آیه مطرح شده، ارتباط داشته باشد. این مقاله به روش تحلیلی، به این نتیجه رسیده است که کل مال به باطل، یکی از عوام خودکشی محسوب می شود؛ چرا که لقمه حرام موجب سبک شمردن نماز می شود؛ سبک شمردن نماز افسردگی و اضطراب می آورد و افسردگی یکی از مهم ترین عوامل خودکشی محسوب می شود.

هاشمی علی آبادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان؛ تحلیل ابعاد تاثیرگذاری لقمه حرام در شخصیت انسان با تاکید بر آیات و روایات نشان داد بررسی عوامل موثر در شکل گیری شخصیت انسان از جمله مسائل مهم و کلیدی در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی و نیز در نگاه آیات و روایات است. در این میان نقش تغذیه جسمی انسان و تاثیر جدی آن بر بعد شخصیتی و روانی جای مذاقه و بررسی بیشتری دارد. این پژوهش ضمن بررسی اهمیت لقمه از نگاه آیات و روایات، به بررسی تاثیر حرام یا حلال بودن آن در شکل گیری و رشد شخصیت انسان می پردازد. بررسی آیات و روایات نشان می دهد که از جمله مهم ترین روزه های ورود شیطان و اخلال در شخصیت انسانی، حرام نمودن و یا حداقل شبهه دار کردن لقمه است. بنابراین انسان باید نقش لقمه را در مقایسه با سایر عوامل جدی تر بنگرد. پژوهش حاضر در بردارنده این نتایج شد که تاثیر گذاری لقمه حرام از سه جهت در شخصیت انسان حائز اهمیت است: الف) بعد معرفتی انسان و مانعیت در شناخت صحیح؛ ب) در قلب و روان انسان به صورت تاریک شدن، مهر خوردن و حتی مرگ قلب؛ ج) در رفتار به صورت تغییر شخصیت انسانی و تبدیل آن به حیوانیت و سبعیت.

صفورایی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان؛ لقمه‌ی حلال و حرام نشان داد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در این باره فرموده است: هر کس از دست رنج خود و مال حلال بخورد، خداوند درهای بهشت را به رویش می گشاید تا از هر دری که می خواهد، وارد شود و در شمار پیامبران خواهد بود و مزدی هم پای ایشان خواهد گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده است: کسی که غذای حلالی بخورد، فرشته ای بالای سرش می ایستد و برایش استغفار می کند تا آن گاه که وی از خوردن غذا فارغ شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسی که یک لقمه ی حرام بخورد، تا چهل شبانه روز، نمازش پذیرفته نمی شود.

و دعایش مستجاب نمی‌گردد. یکی دیگر از پی آمدهای مهم لقمه ی حرام، سنگ دلی و سیاهی قلب است، به گونه ای که دیگر هیچ پند و اندرز در او اثر نمی‌کند و سخت‌ترین رنج‌های دیگران، دل او را به درد نمی‌آورد.

فجری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان؛ لقمه حلال و حرام و آثار آن مبلغان نشان داد "آنان باور کردند که بسیاری از پدیده‌های اخلاقی به خاطر هورمون‌هایی است که غده‌های بدن تراوش می‌کند و تراوش غده‌ها رابطه نزدیکی با تغذیه انسان دارد؛ اما هنوز به این باور نرسیده‌اند که اولاً یک لقمه نیز می‌تواند آثار خاصی را بر انسان بگذارد و ثانیاً راه بدست آوردن غذا و چگونگی تهیه آن نیز تأثیرات بسیاری را در وجود انسان بر جا می‌نهد؛ در حالی که در کلمات بزرگان دین ما به جای غذا به «لقمه» تعبیر شده است که بیانگر این نکته است که اثر غذا با یک لقمه نیز منتقل می‌شود و اثر خود را بر جان و روح انسان منتقل می‌نماید. کی پاکیزگی و صفا از برای نفس حاصل می‌شود که کثافات مال مشتبه آن را آلوده و چرک نموده باشد؟» برخی از اثرات لقمه حرام که از سخنان و کلمات گهربار معصومین علیهم‌السلام به دست می‌آید عبارت است از: آثار فردی لقمه حرام کسب مال حرام و دوری نکردن از آن، باعث هلاکت انسان می‌شود؛ چنانکه بسیاری از افراد به سبب آلوده شدن به آن، از سعادت محروم شده و توفیق رسیدن به درجات کمال را پیدا نکرده‌اند، در نتیجه به نکبت‌های دنیا و آخرت دچار شده‌اند.

موسوی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان؛ رزق در آراء متکلمان اسلامی و بازتاب آن در ادب فارسی نشان داد از آن‌جا که پدیدآورندگان متون ادب فارسی در طول تاریخ هزار ساله آن. دانشمندان و فرهیختگان جامعه اسلامی بوده‌اند و صاحب نظر در مسائل دینی. کلامی، فلسفی و علمی در متون ادب فارسی اعم از نظم و نشر به خصوص در متون صوفیه و امثال و حکم فارسی و عربی رایج در قلمرو و زبان فارسی، مبسوط رزق و روزی و تلقی‌های گونه‌گون و متضاد از آن. بازتاب گسترده‌ای داشته است. دفت در این مبحث کلامی، فهم درست‌تر این مقوله و نهایتاً فهم درست‌تر متون ادبی را به دنبال خواهد داشت. در این مقاله سعی نگارنده بر این بوده است که زوایای این مبحث کلامی را از دیدگاه متکلمان تبیین نماید.

حلال در لغت

«حلال» از جمله مفاهیم قرآنی است که درباره ی آن معانی بسیاری ذکر کرده اند که به برگزیده ای از آن اشاره خواهیم کرد. حلال از ریشه ی حَلَّ به معنای، باز کردن است «وَأَحْلَلُ عَقْدَهُ مِنْ لِسَانِي» (طه ۲۷) گره از زبان من باز کن. حلول که بمعنی نزول است اصل آن باز کردن بار وقت نزول است سپس در مجرّد نزول بکار رفته. مثل «وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى» (طه ۸۱) هر که غضب من بر او نازل شود حقاً که سقوط کرده است. حلّ بکسر حاء بمعنی حلال استعاره از باز کردن گره (معنی اصلی) است مثل هذا «حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ» (نحل ۱۱۶) پس حلال آنست که از ممنوعیت باز شده است. (قرشی، ج ۲، ۱۳۷۱ش، ۱۶۷).

ابن منظور محمد بن مکرم گفته: و الحِلُّ و الحَلَال و الحَلَال و الحَلِيل: نَقِيضُ الحَرَام. (ابن منظور، ج ۱۱، ۱۴۰۴ق، ۱۶۷). راغب گوید: اصل طیب آنست که حواس از آن لذت می‌برند و نفس از آن لذت می‌برد. و پاک کردن را استطابه گویند که پاک کردن چیزی سبب دلچسبی آنست. نقیض طیب خبیث است. (راغب اصفهانی، ج ۱، ۱۴۱۲ق، ۵۲۷)

حلال در اصطلاح قرآن

مراد از حلال و طیب بودن این است که رزق طوری باشد که طبع بشر از آن محروم نباشد، یعنی طبع آدمی آن را پاکیزه بداند و از آن خوشش آید، و ملاک حلیت شرعی هم همین است، چون حلیت شرعی، تابع حلیت فطری است، آری دین خدا همه‌اش

مطابق فطرت است و خدای سبحان انسان را مجهز به جهاز تغذیه خلق کرده، و موجوداتی از زمین مانند حیوانات و نباتات را ملایم با قوام بشر قرار داده، و طبع بشر بدون هیچ نفرتی مایل آنها هست، و چنین چیزی برای او حلال است. در آیه «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره ۱۶۸) تا آخر دو آیه، کلمه (حلال) در مقابل کلمه (حرام) است، و معنایش با کلمه (ممنوع) یکی است، وقتی می‌گویند فلان کار حرام است، معنایش این است که ارتکاب آن ممنوع است، و کلمه (حل) هم در مقابل (حرمت) می‌آید و هم در مقابل حرم، و هم در مقابل عقد، و این کلمه یعنی کلمه (حل) در تمامی موارد استعمالش معنای آزادی در عمل و اثر را می‌رساند، و کلمه (طیب) در مقابل کلمه (خبیث) معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را میدهد، مثل کلمه طیب، که به معنای آن سخنی است که گوش را از شنیدنش خوش آید و عطر طیب که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و مکان طیب یعنی آن محلی که با حال کسی که میخواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد. (طباطبایی، ج ۱، ۱۴۱۷ق، ۴۱۷).

در حدیث آمده است: خداوند، رزق مردم را از حلال معین کرده است. هر کس که به حرام روی آورد، از سهم حلال او کم خواهد شد (طیب، ج ۸، ۱۳۷۸ش، ۲۰۰).

اوصاف رزق حلال

یکی از مباحثی که بعد از بررسی لغوی و تفسیری مطرح می‌شود، بحث اوصافی است که در قرآن کریم برای روزی بندگان ذکر شده است که این اوصاف به طور کلی به ۴ دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- رزق معلوم
- ۲- رزق طیب
- ۳- رزق کریم
- ۴- رزق حسن

که در بین این ۴ صفت، معلوم بودن رزق حلال عام تر از ۳ صفت دیگر است به گونه ای که در ۳ صفت دیگر نیز نشانه و علامتی از آن دیده می‌شود و در واقع اوصاف طیب، کریم و حسن زیر مجموعه های از رزق معلوم می‌باشند و تعلق گرفتن هر یک از این صفات رزق، که به گروه های مختلف از افراد بشر بسته به اعمال و کرداری است که خود افراد آنها را انجام می‌دهند و نتیجه این اعمال را در قالب ارزاق از خداوند باری تعالی دریافت می‌کنند. برای روشن شدن این موضوع به شرح و توضیح بیشتر این اوصاف در قرآن و تفاسیر می‌پردازیم.

رزق معلوم

یکی از وصف هایی که برای رزق حلال در قرآن به آن اشاره شده است «رزق معلوم» است که گاهی با لفظ «معلوم» و گاهی با الفاظ دیگری چون «مقدر»، «طالب» به آن اشاره شده است.

آیه ای که مستقیماً در قرآن به رزق «معلوم» اشاره می‌کند آیه ۴۱ سوره ی صافات می‌باشد که در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ»؛ «برای آنان [بندگان مخلص] روزی معین و ویژه‌ای است،»

اما اینکه تفسیر «رزق معلوم» در این آیه چیست، علامه طباطبایی و مکارم شیرازی معتقدند این طایفه اراده نمی‌کنند، مگر آنچه را که خداوند اراده کرده باشد و هیچ عملی نمی‌کنند مگر برای خدا و معلوم است کسی که این صفت را دارد، التذادش به

چیز دیگری است غیر از آن چیزهایی که سایرین بدان ارتزاق می کنند، هر چند که در ضروریات زندگی از خوراکی ها، نوشیدنی ها با سایرین شرکت دارد. با این بیان این نظریه تأیید می شود که جمله «أَوْلَيْكَ لَهُ لَأَمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ» اشاره دارد به اینکه در بهشت رزق ایشان که بندگان مخلص خدایند غیر از رزق دیگران است و هیچ شباهتی به رزق دیگران ندارد. معلوم بودن رزق ایشان کنایه است از ممتاز بودن آن. (طباطبایی، ج ۱۷، ۲۱۴ و مکارم، ج ۲۰، ۴۸۹). به فرموده امام باقر علیه السلام خدمت گزاران بهشتی آن را می دانند و آن را برای اولیای خدا قبل از آنکه درخواست کنند می آورند. (حویزی، ج ۴، ۱۴۱۵ ق، ۴۰۳)

مرحوم علامه طبرسی نیز نظری مشابه به نظر فوق دارد. ایشان در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: « برای آن جماعت پاکانست روزی معین که قرار داده برای آنها تصرف در آن را و فرمان داد برای ایشان بسبب آن در اوقات آینده و در هر وقتی روزی معلوم مقدری سپس آن را تفسیر کرد بآنکه گفت: (فَوَاكِهَةٌ) و آن جمع فاکهه که تمام میوه های تر و خشک گفته میشود که بسبب تصرف آن متنعم و مسرور میشوند. « (طبرسی، ج ۲۰، ۱۳۷۲ ش، ۴۷۹). علاوه بر نظریات فوق، نظرات دیگری برای تفسیر این آیه آورده شده است که از نظر علامه طباطبایی صحیح و متقن نیستند و برای روشن شدن بیشتر موضوع به نمونه هایی از آن می پردازیم:

مراد از رزق معلوم بندگان مخلص این است که آثار مخصوصی دارد، از آن جمله این است که قطع و منع نمی شود، منظره ای زیبا، طعمی لذیذ و بوی خوش دارد و نیز آن تفسیر دیگر که گفته اند مراد این است که: وقت معلومی دارد، چون که آیه « وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعَشِيًّا » (مریم/۶۲) آن را افاده می کند. و نیز آن تفسیر دیگری که بعضی کرده و گفته اند: مراد از رزق معلوم بهشت است. « (طباطبایی، ج ۱۷، ۲۰۵).

حرام در لغت

حرام از ریشه ی حَرَمَ به معنای ممنوع است. (راغب اصفهانی، ۲۳۰). حرمت چیز است که هتک آن حلال و جایز نیست. المسجد الحرام- البیت الحرام- الشهر الحرام، همه از این باب اند یعنی اینها محترم اند و حدودی دارند و چیزهایی در آنها حرام شده که در غیر آنها حرام نیست. (راغب اصفهانی، ۲۳۰). حرم مکه را از آن جهت حرم گویند که بعضی چیزها در آن تحریم شده بخلاف سایر مواضع، همچنین است ماه حرام و بیت الحرام مثل أ و لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ (قصص ۵۷) آیا جا ندادیم آنها را در حرم امنی که میوه های هر چیز بآنجا جمع میشود. و یا شخص در حال احرام را حرام و محرم گویند چرا که از چیزهایی (محرمات احرام) ممنوع است.

در آیه وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (ذاریات: ۱۹) محروم بمعنی ممنوع است یعنی کسی که از روزی و در آمد کافی ممنوع است و مقابله با سائل نشان میدهد که او در عین حال که فقیر است از کسی سؤال نمیکند و اظهار حاجت نمی نماید تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ (بقره ۲۷۳) با علامتشان آنها را میشناسی (قرشی، ج ۲، ۱۲۶).

حرام در اصطلاح قرآن

مراد از حرام در آیات قرآن گاهی حرام تکلیفی است مثل «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره ۲۷۵) و «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ» (بقره ۱۷۳)

گاهی بطریق باز داشتن قهری و اجباری است مثل «إِنَّهُ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (مائده ۷۲) و «قَالُوا إِنَّ اللَّهَ

حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ» (اعراف ۵۰) و «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (مائده ۲۶) این تحریم بطریق منع اجباری است که خدا جلوشان را گرفته است میشود گفت که تحریم طبیعی است همانطور که شخص تعلیم ندیده از هدایت هواپیما ممنوع است همچنین مشرک از رفتن به بهشت طبیعتاً ممنوع است گر چه راه بهشت باز باشد زیرا او توانائی رفتن ندارد پس حرام در اینگونه آیات بمعنی غیر مقدور است.

گاهی بتسخیر و اعمال قدرت خداست مثل «وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ» (قصص ۱۲) زنان شیر ده را بر او قبلاً حرام کردیم، اینکه موسی پستان هیچ زن شیر ده را نگرفت فقط خواست خدا بود تا بالاخره بمادرش برگردد. گاهی تحریم طبیعی و مقتضای طبیعت است که خدا چنان قرار داده است مثل «وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (انبیاء ۹۵).

یعنی بر قریه‌ایکه هلاک کرده‌ایم برگشتن بدنیا، حرام و نا مقدور است، آنها بر نمیگردند. (راغب اصفهانی، ۲۳۰). این واژه حدود ۷۵ بار در قرآن آمده است و در واقع هر مالی که بر خلاف دستور الهی بدست آمده، مال حرام است و دست یافتن و خوردن مال مسلمان و یا کافری که خداوند مال او را بر دیگران حلال نکرده، بدون اجازه آنان و بی آنکه یقین به رضایت آنان داشته باشیم، حرام است (جواهر الکلام، ج ۳۴، ۲۷۷). در مورد فرق بین خبیث و حرام می توان گفت که خبیث بذاته حرامست مثل خمر و نجاسات و متنجسات و حیوانات حرام گوشت و اشیاء مضره و نحو اینها و حرام بذاته حرام نیست لکن از راه حرام بدست میاورد از راه سرقت غصب ظلم کسب حرام و امثال اینها. (أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۰۱)

حلال و طیب بودن، اولین قانون تغذیه

این قانون از نکات حیاتی است، ما همیشه به آن اولین قانون سلامتی بخش می‌گوییم. این قانون را با نام حلال و طیب با هم بررسی می‌کنیم که در مقابل لقمه حرام و ناپاک است. همان‌طور که می‌دانید در سوره نحل، آیه ۱۱۴ آمده که: فقط از روزی حلال و پاکیزه‌ای که خداوند برای شما قرار داده است بخورید. این شرطی که برای حلال و طیب بودن یک ماده یا رفتار داریم از قوانین اصلی است برای این که بتوانید هم سلامت نفس و روح و روان و هم سلامت جسم را حفظ کنید.

سلامتی جسم و جان، لازمه کمال

همان‌طور که می‌دانید وقتی بحث از سلامت می‌کنیم، یعنی هم جسم هم جان مهم است. وقتی داریم در مورد سلامتی جسم و جان صحبت می‌کنیم، سلامت اندامها و قوای وابسته به اندامها و نهایتاً توانایی‌ها و رفتارهای اندامها به واسطه آنها مطرح می‌شود. پس کلیه مباحث تربیتی زیر مجموعه آن قرار می‌گیرد. یعنی شما نمی‌توانید از قوای دماغی و مغزی خود استفاده کنید، یادگیری، تمرکز، حافظه، تعمیم، همه رفتارهای مغزی را نمی‌توانید درست انجام دهید؛ مگر این که این اندام و قوای آن سالم باشند.

قلب و قوای قلبی، عضله و قوای عضلانی، همه اندامهای بدن، شما باید یاد بگیرید که با شش عامل سلامتی بخش این قوا را سالم پرورش بدهید، جسم و روح و روان را سالم پرورش بدهید، تا بتوانید در اصول رشد و پرورش و رسیدن به کمال و حیات طیبه موفق باشید.

تغذیه حلال، لازمه سلامتی

این بحث می‌خواهد به ما چه بگوید؟ می‌خواهد بگوید نخستین و مهم‌ترین رهنمود اسلام برای چیزهایی که ما مصرف می‌کنیم تا سلامت خود را به دست بیاوریم، این است که حلال باشد. تغذیه حلال لازمه سلامتی جسم و روح است. حلال یک واژه وسیعی است، من آن را در چهار قسمت تقسیم بندی کرده‌ام که در جای خود باید بیان شود. برای آشنایی بیشتر با آن می‌توانید به مقاله «شرایط مال حلال و تأثیر آن بر سلامتی» مراجعه نمایید. در این مقاله قسمت اول آن را بررسی می‌کنیم.

کسب از راه مشروع

قسمت اول این است: چیزی که انسان می‌خواهد مصرف کند - یا در قسمت‌های رفتاری قرار می‌گیرد یا در قسمت‌های خوراکی قرار می‌گیرد، هر دو قسمت ممکن است باشد - این مصرف شونده از راه مشروع به دست آمده باشد. یکی از معانی حلال این است که از راه مشروع به دست آمده باشد. از تجاوز به حقوق دیگران، از غصب مال دیگران و... به دست نیامده باشد. مال غیر نباشد، از راه‌های دیگر نامشروع هم به دست نیامده باشد که بحث مفصل فقهی است.

مصادیق لقمه حرام و نامشروع

من چند نمونه را برای روشن شدن موضوع این‌جا می‌گویم:

تصرف در بیت‌المال

مثلاً فرض کنید یکی از راه‌های کسب لقمه حرام این است که شما تصرف در بیت‌المال داشته باشید. این برای شما آشنا است، این را زیاد شنیده‌اید که اگر اموال بیت‌المال را تصرف کنید، روی اموال شما اثر می‌گذارد، لقمه حرام وارد خانه شما می‌شود، وارد سفره شما می‌شود، روی جسم و جان شما و فرزندان شما تأثیر می‌گذارد. روی مسیر تربیتی و رشد و کمال شما و فرزندان شما تأثیر می‌گذارد.

این تصرف در بیت‌المال ممکن است مستقیم باشد؛ یعنی یک نفر یک کار اداری و دولتی دارد، یک قسمتی از اموال بیت‌المال را غصب کند یا به صورت نامشروع در زندگی خود وارد کند. سهواً یا عمداً ممکن است این کار را انجام بدهد، هر دو هم اثرات خود را می‌گذارد که بعداً خواهیم گفت بعضی آثار شدیدتر و بعضی آثار ضعیف‌تر است.

گاهی اوقات ما غیر مستقیم در اموال بیت‌المال تصرف می‌کنیم، حواس ما هم نیست. مثلاً داریم اموال عمومی را تخریب می‌کنیم یا چیزی از اموال عمومی که در سطح شهر است و متعلق به همه مردم است، جزء بیت‌المال محسوب می‌شود را تصرف می‌کنیم. گاهی با سهل‌انگاری این آسیب را می‌زنیم و این تصرف را انجام می‌دهیم. گاهی اوقات حواس ما نیست که این کار اشتباهی است این غذا، این امکانات و این شرایط را برای خود می‌کنیم و در تصرف خود می‌آوریم. آن را غصب می‌کنیم که اثر منفی می‌گذارد. در مورد همه این اثرات منفی یکی یکی صحبت خواهیم کرد که چیست.

نپرداختن حقوق شرعی

گاهی اوقات سهل‌انگاری مثلاً در پرداخت حقوق شرعیه می‌کنیم. مثلاً خمس مال خود را ندادیم. بعد مال را وارد سفره خود می‌کنیم. فرزند ما از این غذا می‌خورد یا از این وسیله استفاده می‌کند، یا از این پولی که شهریه مدرسه بوده تحصیل می‌کند. اما اثر منفی را درون بدن و جسم و جان فرزند می‌گذارد و آثار منفی شامل او می‌شود.

رشوه، احتکار، ربا

باز هم بخش‌های دیگری در بحث لقمه‌های حرام وجود دارند که باید به آن دقت شود. مثلاً فرض کنید کسی که (به اصطلاح) اهل شیرینی دادن و گرفتن است. این اسمی است که روی عمل نامشروع رشوه گذاشته‌اند. یا مثلاً اهل احتکار کردن است. یا ربا داده یا حتی ربا گرفته است. یا هر دو را انجام داده است. ممکن است در شرایط خاصی باشد، در شرایط تنگدستی باشد، ولی چون روش به دست آوردن مال او نامناسب بوده - با وجود این که به او ظلم شده - چون شریک در امر ربا بوده آن لقمه، لقمه حرام می‌شود و وارد سفره او می‌شود.

ذبح و صید غیر شرعی

اگر از ذبح غیر شرعی، صید غیر شرعی چیزی را به دست بیاورد لقمه حرام است. تمام مواردی که در احکام آمده و من نمی‌خواهم وارد بحث آن‌ها شوم، مطالعه کنید. مهم است ببینید آن چیزی که دارید تهیه می‌کنید یا کاری که انجام می‌دهید به شیوه شرعی و مشروع، حلال یا حرام است یا نیست. این دقت را باید همیشه داشته باشید تا اثرات مخربی که دارد شامل حال شما و فرزندان شما نشود.

آثار لقمه حرام

عدم رشد و پیشرفت

لقمه حرام: کلمه لقمه یک کلمه عام است، صرفاً غذا نیست. ممکن است یک پولی باشد که شما برای کلاس یا دوره آموزشی فرزند خود می‌دهید. انتظار دارید رشد و پیشرفت کند، یا خود شما انتظار دارید یک دوره تحصیلی، یک دوره دانشگاهی است باید باعث پیشرفت شود. ولی آن پول و مالی که دارید برای آن به کار می‌برید اگر نامشروع تهیه شده باشد باعث عدم پیشرفت می‌شود.

اثرات مخرب جسمی و فیزیکی

سایر استفاده‌هایی که از مال غیر مشروع وارد شده در کتب توضیحات فقهی، مثلاً در کتاب جناب آقای ری شهری دیدم، کتاب «احادیث پزشکی» که نوشته شده بود: هر چند ممکن است برای سلامت جسمی واضح نباشد که ضرر داشته باشد، اما بی‌تردید برای سلامت روان زیان‌بار است.

من می‌خواهم این جمله را این‌طور تکمیل کنم که لقمه حرام هم برای سلامت جسمی بسیار زیان‌بار است، هم برای سلامت روان شما بسیار زیان‌بار است. ببینید شما ممکن است دو سیب را ببینید، یکی از راه مشروع به دست آمده باشد و یکی از راه نامشروع به دست آمده باشد. هر کدام را میل کنید و بگویید هم ویتامین آن‌ها مثل هم است، هم کربوهیدرات آن‌ها مثل هم

است، هم کالری آن‌ها مثل هم است، هم انرژی آن‌ها مثل هم است. همه خصوصیات آن‌ها مثل هم است، هیچ فرقی بین این دو سبب نیست.

اما حقیقت مطلب عمیق‌تر از این محاسبه ساده است. وقتی که این ماده می‌خواهد وارد بدن شما شود، جزئی از بدن شما شود، بار معنایی خود را وارد بدن شما می‌کند.

من یک مثال برای شما می‌زنم. چندین سال پیش این تحقیقی که می‌گویم جدید هم نیست. چند لیوان آب را قرار دادند در یکی از کشورهای غربی بود. و کلمات مختلفی را برای آن لیوان‌ها خواندند. یا برچسب‌های مختلفی را روی آن‌ها گذاشتند. برخی از این کلماتی که آوا بود و خوانده شد، یا کلماتی که روی لیوان‌های آب نوشته شد، بار مثبت داشت، از مهربانی صحبت می‌کرد. ادعیه بود، قسمت‌هایی از کتاب دینی خود را نوشته بودند یا خوانده بودند.

روی برخی لیوان‌ها هم نام افرادی که وحشت با خود می‌آوردند. مثلاً روی یکی از این لیوان‌ها اسم هیتلر را نوشته بودند. کلمات گناه آلود را گذاشتند. آهنگ‌های آزار دهنده برای آن لیوان‌ها پخش کردند.

آن لیوان‌های آب مثل هم بودند. بعد از آزمایش که چند ساعت لیوان‌ها را در معرض این موارد قرار داده بودند، با میکروسکوپ الکترونیکی مولکول‌های آب را بررسی کردند. دیدند تغییر فاحشی در شکل مولکول‌ها ایجاد شده است. یعنی ساختار مولکول‌ها به واسطه انرژی و اثر معنایی که از این کلمات و آواها گرفته تغییر کرده است. در حالی که ساختار اکسیژن و هیدروژن این آب هیچ تغییری از لحاظ آزمایش ظاهری نکرده بود.

آزمایش‌های مفصل دیگری هم قبلاً انجام شده است، الان فرصت مطرح کردن آن‌ها نیست. وقتی شرایط معنایی را بر یک ماده غذایی یا یک رفتار بار می‌کنیم، بر جسم و روح یک انسان یا یک حیوان وارد می‌کنیم، اثر خاص خود را می‌گذارد، تغییرات خاص خود را ایجاد می‌کند. یعنی از لحاظ علم طب، شکی در این نیست که مواد غیر از بار ویتامینی، مواد ریز مغذی، درشت مغذی و... یک چیزی هم به نام بار انرژی یا بار معنایی با خود دارند که بدون شک در سلامت جسم و سلامت روحی که از آن جسم متساعد می‌شود تأثیر می‌گذارد.

تأثیر مخرب لقمه حرام بر نسل

نکته مهمی که این‌جا می‌خواهیم به آن اشاره کنیم این است که از دیدگاه طب ایرانی و همچنین آموزه‌های سلامتی بخش اسلام، نه تنها این تأثیر روی جسم فرد است، بلکه تأثیر روی سلامت نسل هم وجود دارد. تأثیر این قدر عمیق است. یعنی نه تنها روی جسم و جان خود شما، سلامت خود شما، فرزند شما، کسی که مستقیماً آن مال را استفاده می‌کند تأثیر می‌گذارد؛ بلکه روی نسل بعدی و نسل‌های بعدی شما هم این لقمه حرام تأثیر می‌گذارد.

توجه شما را به جمله‌ای جلب می‌کنم که حضرت امام حسین (ع) به افرادی که مقابل ایشان در صحرای کربلا ایستاده بودند فرمودند. وقتی خواستند بگویند چه شده که شما حق را نمی‌فهمید؟ چه شده که شما روبروی فرزند پیامبر خود ایستاده‌اید؟ می‌فرمایند: چون شکم‌هایتان از لقمه‌های حرام پر شده، خداوند بر قلب‌های شما مهر زده و فهم و ادراک شما از بین رفته است. کلمه فهم و ادراک دقیقاً یک کلمه تربیتی است. یعنی واژه‌ای که دارد مستقیم به بحث ما اشاره می‌کند در جمله حضرت امام حسین (ع) می‌بینید. بعد در یک سری جملات دیگر اشاره می‌کنند که: پدران شما این لقمه‌های حرام را وارد سفره‌های شما کرده بودند و نسل در نسل سرایت کرده تا اکنون به شما رسیده است. چه شده که این افراد این‌طور تربیت ناپذیر شده‌اند؟ چه شده که صحبت‌هایی چنین نورانی، مستقیماً از زبان معصوم، تأثیری در یک قلب نمی‌گذارد؟

این‌ها را می‌خواهم بگویم که ببینید لقمه حرام چقدر می‌تواند در سبک تربیتی، در عمق اثرگذاری امر تربیتی تأثیر بگذارد. فقط اگر بتوانید لقمه حرام و وارد نشدن آن در سفره خود را مدیریت کنید و از وارد شدن این امر ناخوشایند جلوگیری کنید، می‌تواند شما را از یک تلاش بیش از اندازه که باید برای انجام یک کار تربیتی انجام بدهید فارغ کند.

نارضایتی و محرومیت از ورود به بهشت

این مهمان نامیمون که حتی بنا به جمله پیامبر اکرم (ص) از ورود فرد به بهشت جلوگیری می‌کند. [۴] خیلی حرف مهمی است. این‌که بهشت چیست، کجا است، همین الآن رفتارهای ما بهشت را برای ما می‌سازد. جمله پیامبر است: «الآن قیامتی قائم» [۵] همین الآن قیامت است، بهشت و جهنم همین الآن جاری است. بنابراین وقتی که پیامبر می‌فرماید: خدا ممانعت می‌کند از این‌که لقمه حرامی در شکمی باشد، و آن فرد وارد بهشت شود. یعنی همین الآن هر چند ظاهراً براساس قراردادهای ظاهری دنیایی حس کنید که این فرد موفق است، اما او عمیقاً وارد حس کامیابی نمی‌شود. این فرد وارد حس رضایتمندی نمی‌شود، این فرد رشد عمیق روحی، حتی جسمی را پیدا نخواهد کرد. چون اجازه ورود به بهشت الهی به او داده نشده است.

لقمه حرام مشمول لعنت فرشتگان

به این موارد دقت کنید، به اطراف خود نگاه کنید، به کارهایی که دارید انجام می‌دهید، در مورد اثر موادی که استفاده می‌شود، یا رفتارهایی که برای امور رشد و پرورش خود شما یا فرزندان شما انجام می‌شود. بدانید که این ورود بسیار ظریف است. گاهی وقت‌ها شما این‌قدر از لحاظ تفکر ظریف هستید، از لحاظ قلبی خوش احساس هستید که واقعاً حضور ملائک را حس می‌کنید. این را گفتم برای این‌که بدانید در یک روایت رسول خدا (ص) می‌فرماید: اگر لقمه حرام درون بدنی قرار گرفت، تمام ملائک آسمان و زمین شروع به لعنت فرستادن به این فرد می‌کنند.

معنای لعنت فرشتگان

این یک معنای وسیع دارد، یعنی فکر نکنید آن‌ها لعنت زبانی می‌گویند. یعنی در کل زندگی شما تأثیر منفی می‌گذارد، تمام اموراتی که قرار است با تلاش شما به سمت مثبت برود، به سمت همراهی با حضور ملائک برود، به سمت خوشایندی حرکت کند؛ حرکت آن به سمت رویگردانی و اعراض ملائک می‌شود. یعنی نیروهای مثبت آسمانی در رفتار شما، در عملکرد شما و در نتیجه‌ای که از رفتار خود خواهید گرفت حضور ندارند.

ارزش کسب حلال و لقمه پاکیزه

آنچه در نظام اقتصادی اسلام، بیش از هر چیز اهمیت دارد، حلال و پاک بودن کسب است؛ یعنی بدست آوردن مال، از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد. از این رو قرآن به پیروانش سفارش می‌کند که بنیان مالی و درآمد خود را بر پایه ایمان خالص و تقوا استوار سازند و روزی خود را از راهی بدست آورند که آن را مجاز و مباح می‌دانند. «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» و از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید! (مائده ۸۸). در این آیه شریفه رزق حلال با تقوای الهی گره خورده است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (بقره ۱۶۸) این آیه از طرفی انسان را به کسب حلال امر می کند و از سوئی، او را از پیروی و تبعیت شیطان نهی می کند. در این جا خدا به حلال خواری امر می کند و در مقابل این شیطان است که انسان را به حرام خواری و درآمدهای نامشروع فرا می خواند. خداوند منابع کسب روزی حلال را در اختیار انسان قرار داده تا انسان ها به سمت حرام نروند و از حریم الهی تجاوز نمایند؛ چرا که تصرف در مال حرام و حلال دانستن آن از دیدگاه اسلام، بدعت در دین و تجاوز از حریم الهی است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:... ای مردم کندی جریان روزی شما را وادار نسازد که آن را از راه معصیت بجوید که خداوند روزی بندگان را از راه حلال تقسیم کرده، نه از راه حرام. پس کسی که تقوای الهی پیشه کند و از خدا بترسد و بردباری پیشه کند، خدا روزی او را از راه حلال می دهد و کسی که پرده (عفاف و گناه) بدرد و در بدست آوردن روزی شتاب کند و روزی اش را از راه حرام بدست آورد، از روزی حلالش کاسته می شود و در روز قیامت بر آن محاکمه می گردد (کلینی، ج ۵، ۸۰)

ویژگی های رزق حلال

پس از اینکه به بررسی صفات رزق حلال و ارزش آن از دیدگاه اسلام پرداختیم در این بخش به بررسی ویژگی های رزق حلال از دیدگاه اسلام می پردازیم. اسلام در امر تغذیه و ارتزاق بندگان از روش مستقلی، که ریشه در عدالت و بهداشت ابعاد مختلف شخصیت دارد، پیروی می کند و بر آن است که برای نیل به این اهداف انسان ها به بهره برداری از رزق حلال و طیب روی آوردند. با توجه به معنای که برای رزق در بخش های نخست بیان کردیم، رزق الزاماً به معنی خوردن و آشامیدن نیست و آنچه انسان روز و شب از طرق مجاری و حواس خود یعنی از طریق چشم، گوش، بینی، دهان و لامسه دریافت می کند، همگی همچون طعامی است که به انسان می رسد، اما از آنجائی که رزق بیشتر به معنی خوراک و غذا شناخته می شود پس روی آن تمرکز کرده و به بررسی آن می پردازیم.

خداوند برای نشان دادن اهمات ارزاق و غذاها در آیه ۲۴ سوره ی عبس می فرماید :

« فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ » ؛ « انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! »

این آیه انسان را به نظر و مطالعه انسان پیرامون طعامی که می خورد، دعوت می کند یعنی نگاه کند که چگونه خداوند آن رزق و طعام را آفریده و برای روزی بندگان آماده ساخته است و انسان با استفاده از آن نیرو کسب کرد. و بقای خود را تضمین می نماید. در این آیه خداوند دستور می دهد اگر در همین یک نعمت مطالعه و دقت کنیم متوجه عنایت خداوند به صلاح حال بندگان خواهیم شد. (طباطبایی، ج ۲۰، ۳۴۱)

در آیات متعدد دیگری انسان را به استفاده از رزق حلال تشویق می کند که از باب نمونه به آیه ۸۸ از سوره ی مائده اشاره خواهد شد. « وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا... » ؛ « و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید!... »

مفسران معتقدند که آوردن لفظ « حلال » برای تأکید آورده شده چراکه دوری از حلال و روی آوردن به حرام علاوه بر اینکه منجر به تجاوز از حد بندگی است و منجر به معارضه با سلطنت خداوند می شود، خروج از حکم فطرت هم هست. (همان، ج ۶،

از جمع این دو آیه نتیجه به دست می آید که قرآن کریم دستور می دهد که فرد به خوراک خود نظر کند و به پاکیزگی حلال بون آن مطمئن گردد، طیب بودن تکوینی و حلال تشریحی است. از این رو توصیه اسلام به پاک خوردن هم در بعد معنوی و هم در بعد مادی است. (آیت الهی، ۱۳۶۷ ش، ۷۴)

از بین احکام بسیاری که در باره تغذیه و غذای انسان در اسلام وجود دارد به چند حکم اساسی آن اشاره می کنیم: « ۱- غذا پاک باشد یعنی نجس نباشد. ۲- غذا پاکیزه باشد یعنی پلید (خیبث) نباشد. ۳- غذا حلال باشد، یعنی غذای حرام نباشد. ۴- دو گونه غذا حرام است: اول: غذایی که در قرآن یا روایات اهل بیت (علیه السلام) تحریم شده است (مثل خون و...) دوم: غذایی که از راه غیرمشروع به دست آمده است و انسان مالک یا مجاز به تصرف در آن نباشد. » (رضایی اصفهانی، ج ۲، ۱۳۸۰ ش، ۳۰۳)

ذکر این نکته نیز لازم است که حکم معرفی غذاهای حرام از جمله احکام تأسیسی نمی باشد چراکه با نگاهی به ادیان آسمانی قبل از اسلام و حتی ادیان غیر آسمانی مثل زرتشت نیز منع خوردن بعضی خوراکی ها وجود داشته است که یا حالت افراط داشته یا حالت تفریط و در اسلام به صورت متعادل و بنابر مصلحت بشر تکوین یافته است.

آثار و پیامدهای کسب حلال

حلال خواری آثار و پیامدهایی در دنیا و آخرت به دنبال دارد که بخشی از آنها در روایات منعکس شده است. از دیدگاه اسلام بدست آوردن روزی حلال از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و آثار بسیاری را به دنبال دارد. به تجربه ثابت شده است که کسانی که به دنبال روزی حلال هستند و بر مخلوط نشدن مالشان با حرام اصرار می ورزند، رغبت و توفیق بیشتری برای انجام کارهای خیر، مخصوصاً امور عبادی دارند. در مقابل کسانی که شکمشان را با هر مال و لقمه ای پر می کنند، از بسیاری از معنویات دورند و اگر عبادتی انجام دهند، کسالت و بی میلی تمام وجودشان را فرا می گیرد. دقت علمی اسلام درباره لقمه حلال تا بدان حد است که نقل است:

« یکی از پادشاهان آهویی برای یکی از علمای بزرگ فرستاد، و پیام داد که این آهو حلال است، از گوشت آن بخور؛ زیرا من آن را با تیری که به دست خودم ساخته ام صید کرده ام، و هنگام صید آن، بر اسبی سوار بودم که آن اسب را از پدرم ارث برده ام. آن عالم در پاسخ گفت: به یاد دارم یکی از پادشاهان به حضور استادم آمد و دو پرنده دریایی به او تقدیم کرد و گفت: از گوشت این دو بخور، من این دو پرنده را با سگ شکاری خودم صید کرده ام. استاد گفت: سخن درباره این دو پرنده نیست، سخن در غذایی است که به سگ شکاری خودت می دهی. آم سگ مرغ کدام پیره زنی را خورده تا برای صید نیرومند شده است؟ بنابر این اگر فرض بگیریم این آهویی که خودت با تیر ساخته خودت، در حالی که بر اسب به ارث رسیده از پدرت سوار بودی، صید کرده باشی؛ باز مهم آن است که این اسب، علف کدام ستم کشیده را خورده است که نیرئی حمل تو را برای صید یافته است؟ » (اشتهدی، ۶۶).

در سخنان معصومین علیهم السلام آثار و فواید گوناگونی از روزی حلال ذکر شده است که بهره مند شدن از عنایات الهی، مستجاب شدن دعا، توفیق از جانب خدا، برخوردار از منزلت ویژه نزد خدا، ورود در قیامت با چهره ای نورانی و... از جمله آن است.

بهره مند شدن از عنایات الهی

انسان حلال خوار در حفظ و حمایت خداوند قرار دارد و از عنایات خاص حضرت حق برخوردار می شود. در حدیث قدسی آمده است: «یا احمداً إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَيَّبْتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كَنْفِي» خدای تعالی می فرماید: ای احمد عبادت ده جزء باشد؛ نه جزو آن طلب روزی حلال است، پس هر گاه غذا و نوشیدنی تو حلال شد، تو در حفظ و حمایت من هستی (محدث نوری، ج ۲، ۴۱۷).

قصه کربلایی کاظم ساروقی که خداوند در این دنیا او را از مواهب خویش بهره مند کرد و نور قرآن را در دل او جا داد، بهترین الگوی حلال خواری به شمار می آید.

کربلایی کاظم جوانی بود که سواد نداشت و الف را از ب تشخیص نمی داد، اما بر اثر اجتناب از مال حرام و بهیادادن به دستورات دینی و حلال خواری، مشمول لطف و حمایت خاص خداوند قرار گرفت و به زمره اولیای الهی وارد شد و تا پایان عمر، همه قرآن را در سینه داشت و هر آیه ای از او پرسیده می شد، آیه قبل و بعد آن را می خواند و اگر از او می خواستند که آیه ای از قرآن را نشان دهد، فوراً صفحه ی مورد نظر را می گشود و بی درنگ دست روی همان آیه می گذاشت.

کربلایی کاظم در روستای ساروق، از توابع فراهان اراک، در خانواده ای فقیر چشم به جهان گشود و پس از گذراندن ایام کودکی به کار کشاورزی پرداخت. یک سال در ماه مبارک رمضان، مبلغی از سوی آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حایری به روستای ایشان می رود و در سخنرانی خود از نماز، خمس و زکات سخن می گوید و تأکید می کند هر مسلمانی حساب سال نداشته باشد و حقوق مالی خود را ندهد، نماز و روزه اش صحیح نیست. کسانی که گندمشان به حد نصاب برسد و زکات و حق فقرا را ندهند، مالشان به حرام مخلوط می گردد و اگر با عین پول آن گندم های زکات نداده، خانه یا لباس تهیه کنند، نماز در آن خانه و با آن لباس باطل است.

مستجاب شدن دعا

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دَعَاؤُهُ فَلْيَطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ» هر کس می خواهد دعایش مستجاب شود، باید خوراک و درآمدش را پاک کند (مجلسی، ج ۹۳، ۳۷۳).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيَطِيبْ كَسْبَهُ، وَ لِيَخْرُجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ، وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ دَعَاءَ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ، أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ» هر گاه یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود، باید کسب خود را پاک کرده، از عهده حقوق مردم خارج شود و همانا خدا، دعای بنده ای که در شکمش لقمه حرام باشد یا حقی از بندگان خدا در نزدش باشد، قبول نمی کند (همان، ج ۹۳، ۳۲۱).

حضرت امیر المؤمنان (علیه السلام) در وصایای خود به کمیل بن زیاد می فرماید:

«يَا كَمِيلُ إِنَّ اللِّسَانَ يَبُوحُ مِنَ القَلْبِ وَ القَلْبُ يُقَوِّي مِنَ العَدَاءِ فَانظُرْ فِيمَا تُغَدِّي قَلْبَكَ وَ جِسْمَكَ فَإِنَّ لِمَ يَكُنْ ذَالِكَ حَلَالاً لِمَ يَقْبَلِ اللهُ تَسْبِيحَكَ وَ لَا شُكْرَكَ»

ای کمیل! زبان از قلب تراوش می کند و قلب با غذا قوت یابد، پس در آنچه قلب و جسم تو تغذیه می کند تأمل نما. اگر آن حلال نباشد، خدا تسبیح و شکر تو را قبول نکند (مجلسی، ج ۷۷، ۲۷۳).

توفیق از جانب خدا

در آمد مشروع و حلال زمینه های وارسنگی و توفیق الهی را فراهم می آورد.

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

« مِنْ تَوْفِيقِ الْحَرِّ اِكْتِسَابُهُ الْمَالَ فِي حِلِّهِ » از موفقیت های انسان آزاده، کسب مال از راه حلال است (خوانساری، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ۳۶).

برخوردار از منزلت ویژه نزد خدا

کسی که در پی کسب روزی حلال باشد، در فرهنگ اسلام از قدر و منزلت ویژه ای برخوردار است و تلاش و کوشش او، همچون جهاد در راه خدا قلمداد می شود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « اَلْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » کسی که با تلاش، در راه تأمین هزینه خانواده اش می کوشد، مانند مجاهد در راه خداست (کلینی، ج ۵، ۸۸).

ورود در قیامت با چهره ای نورانی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اِسْتِعْفَافًا عَنِ الْمَسْئَلَةِ وَ سَعِيَ عَلَى عِيَالِهِ وَ تَعَفُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ »

هر کس از دنیا رزق حلال طلب کند تا از خلق بی نیاز شود یا با همسایه و خویشاوندان خود نیکویی کند، روز قیامت می آید و چهره وی چون ماه شب چهارده است (صالحی مازندرانی، ج ۸، ۳۱۲).

اقسام مال حرام

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی طولانی به تقسیم راه های معیشت انسان ها پرداخته و آن را به چهار بخش اصلی تقسیم می کند و می فرماید: هر یک از این چهار گروه دارای دو بخش حلال و حرام است.

قسم اول معیشت: ولایت است که دارای دو بخش حلال و حرام می باشد، ولایت حلال ولایتی است که از سوی امامان و نمایندگان آنان بدست آید، بنابراین اموال بدست آمده از این ولایت حلال و گوارا است. اما ولایت حرام، ولایت والیان ستمگر است، که همکاری با آنان سبب گسترش ظلم و بطلان حق و حقیقت است و هر مالی که از راه چنین راهی بدست آید، حرام خواهد بود.

قسم دوم تجارت هایی است که دارای حلال و حرام است، تجارت حلال آن است که خرید و فروش آن در راه مصلحت جامعه و فرد مورد استفاده قرار گیرد، به عنوان مثال غذای بندگان خدا و وسایل آسایش آنان را فراهم سازد. اما خرید و فروش حرام آن است که در آن فساد و زشتی است، پس آنچه که خوردن و آشامیدن کسب و نگهداری آن تحریم شده، معامله و تجارت آن نیز حرام خواهد بود. بلکه اگر یکی از وجوه فاسد در آن باشد مثل ربا، غش در معامله و... از دیدگاه شریعت ممنوع است. بلکه هر آنچه جامعه اسلامی و افراد را از کارهای اصلی باز می دارد و آنان را به لهو، بازی و سرگرمی مشغول می کند و موجبات غفلت و فراموشی آنان را فراهم می سازد مثل وسائل موسیقی (تار، طنبور، بت و کتاب های گمراه کننده) همه و همه در زمره تجارت

های حرام جای می گیرند.

قسم سوم اجاره است، که دارای دو بخش حلال و حرام است. اجیر شدن انسان و اجاره دادن منزل و وسیله نقلیه برای کارهای حلال، صحیح و حلال است در مقابل اجیر شدن برای انجام کارهای خلاف و هر آنچه از دیدگاه شرع ممنوع استحرام، و اموال بدست آمده از این راه نیز حرام است.

قسم چهارم، صنعت و حرفه ها هستند که دارای حلال و حرامند، پس آموزش نویسندگی، حسابداری، نجاری، زرگری، بنایی و... که دارای کاربردهای صحیح است، حلال و گوارا است و اموال بدست آمده از آن نیز حلال و مباح می باشد.

اما هر یک از این حرفه ها که در مسیر حرام بکار رود حرام و مال بدست آمده از آن نیز حرام است. قلم و نوشتاری که حق کسی را باطل کندو سبب ظلم به دیگری شود و یا ساختن وسایلی که باعث گمراهی مردمان و تباهی جامعه شود آنان را از یاد خدا غافل سازد حرام و اموال بدست آمده از این اهره حرام است. (حر عاملی، ج ۱۷، ۸۵)

بنابراین از دیدگاه حضرت صادق علیه السلام هر چیزی که دارای فساد خالص باشد، آموزش و تعلّم و کار کردن با آن و اجرت و دریافت پاداش از آن حرام است و اگر مشترک میان حلال و حرام باشد، چنانچه جهت حرامش مقصود خریدار و فروشنده باشد باز هم حرام است، ولی اگر جهت حلال آن مورد نظر قرار گیرد، حلال خواهد بود. (قاسمی، ۱۳۹۰ ش، ۲۹)

در یک تقسیم بندی دیگر مال حرام به دو قسم تقسیم می شود:

حرام ذاتی

برخی از اموال در اصل و وصف خود از دیدگاه شریعت حرامند و در هیچ حالتی وصف حرمت از آنها جدا نمی شود. میت، خون، گوشت خوک، و هر آنچه بدون دستور الهی کشته شده باشند، شراب و مال بدست آمده از قمار هم نمونه هایی از این نوع حرامند که در آیات الهی نیز بدان ها اشاره شده است. (مانده ۳ و ۹۰)

حرام غیر ذاتی

هر مالی که در اصل حرام نباشد ولی وصفی بر آن عارض شود که آن را حرام کند حرام غیر ذاتی است، مثل مال دزدی که اصل مال مشکلی ندارد ولی چون بدون رضایت صاحبش برداشته شده، استفاده از آن حرام است. این گونه اموال حرام دارای انواع گسترده ای هستند، مثل سرقت، رشوه، غصب، ربا، غش و نیرنگ، قمار و میسر، و...

غذاهای حرام

اولین آیه ای که بعضی از موارد حرام را معرفی می کند آیه ۱۷۳ سوره بقره است.

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِيُغَيِّرِ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» ؛ « خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد) خداوند بخشنده و مهربان است. »

میت (مردار) : اولین حرامی که در این آیه به آن اشاره شده گوشت مردار است. « مرار، پرنده یا حیوان دیگری را گویند که بدون و دخالت و قصد انسان در شکار یا سر بردن آن، مرده باشد. » (قرضادی، ۱۳۷۸ ش، ۶۳)

دم (خون): «دومین حرامی که در آیه ی سابق به آن اشاره گردید خون مایع و جاری شده از بدن حیوان است.» (همان، ۶۴)

لَحْمُ الْخِنْزِيرِ (گوشت خوک): «سومین حرامی که در آیه سابق ذکر شد، گوشت خوک است به راستی ذوق و طبع سلیم از آن دوری می کند و آن را ناپاک می داند چون بهترین غذای خوک نجاست و کثافت می باشد و پزشکی جدید ثابت کرده است که خوردن خوک در تمام مناطق مخصوصاً مناطق گرمسیر زیان آور است.»

مَا أَهْلَ بِهِ لَعِيرٍ (حیوانی که برای بتها قربانی می شود): چهارمین نوع محرمت، حیوانی است که به هنگام سر بردن آن، نام خدا، نام غیر خدا مانند اسم بت یا چیز دیگری بر آن ذکر شود. «(همان، ۶۵)

خداوند در آیه قبل مسلمانان را به شکرگذاری نعمت ها دستور داده تا از نعمت های پاکیزه استفاده نمایند و کاملاً روشن نمود که جز چهار موردی که در آیه آمده چیزی دیگری حرام نشده است و آیه ۱۴۵ سوره ی انعام با کمال صراحت محرمت را به این چهار نوع منحصر می داند و می فرماید: «قُلْ لَّا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَحْظَرًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ...»؛ «بگو: در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک- که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بردن، نام غیر خدا [نام بتها] بر آن برده شده است.»

ربا

«در لغت به معنای ارتفاع و زیادتی است و در اصطلاح شرع زیادی خاصی است در باب قرض که وام دهنده از وام گیرنده دریافت می کند و همچنین در باب بیع و مبادله، مکیل و موزون در مال متجانس، که یکی از دیگری می گیرد.» (مشکینی، ۱۳۷۴ ش. ۱۷۵). ربا خواری صورت های مختلفی دارد، صورت رایج آن این است که پولی را به کسی بدهد و بعد از مدتی آن پ. ل را با اضافه بگیرد. خداوند در آیات بسیاری از نکوهش و تحریم ربا سخن می گوید که به عنوان شاهد مثال می توان به آیه ی ۲۷۶ سوره ی بقره اشاره کرد: ذ: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد). در تفسیر المیزان آمده در این آیات، سختگیری خداوند در مورد ربا چنان است که مانند آن در هیچ یک از فروع دین جز (دوستی با دشمنان دین) نیست. تعبیراتی که در مورد سایر گناهان کبیره مانند زنا، شرابخواری، قمار و حتی قتل نفس آمده، گرچه لحن شدیدی دارند ولی به پای این دو گناه (ربا و دوستی با دشمنان دین) نمی رسند و این نیست، مگر آنکه آثار شوم سایر گناهان از یک یا چند نفر تجاوز نمی کند، ولی آثار شوم این دو گناه بنیاد دین را نابود و اثر آن را محو و نظام زندگی را فاسد می کند و روی فطرت انسانی پرده می افکند و جلوی چشمش را می گیرد. (طباطبایی، ج ۲، ۴۳۳)

رشوه

یکی دیگر از راه های کسب حرام رشوه خواری است. رشوه یکی از بلاهایی است که جامعه بشری از دیرباز گرفتار آن بوده است و اکنون نیز هست. و اسلام نیز از آن به عنوان گناه کبیره نام می برد چراکه با رشوه دادن و رشوه گرفتن قوانینی که برای حفظ حقوق طبقات جامعه و اقشار مختلف وضع شده است زیر پا گذاشته می شود و متزلزل خواهد شد. قرآن نیز به مذمت این عمل پرداخته و در آیه ۱۸۸ سوره ی بقره می فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحَمِيمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن

بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)!» امام علی (علیه السلام) در باره ی آیه « بسیار حرام خوانند» فرمود: اینان کسانی هستند که مشکل برادر (دینی) خود را برطرف می‌سازد و سپس هدیه ی او را می‌پذیرند. (ری شهری، ج ۵، ۲۰۷۷). امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ، وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ» از رشوه خواری بپرهیزید، زیرا این کار در حقیقت کفر محض است و رشوه خوار بوی بهشت را استشمام نمی‌کند. (سفینه البحار، ج ۱، ۵۲۳). پیامبر خدا فرمود: رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه بین آنها ملعون هستند. (مجلسی، ج ۱۰۴، ۲۷۴)

فروشی

یکی دیگر از تخلفاتی دیگر که افراد در ضمن کسب معاش خود مرتکب آن می‌شوند کم‌فروشی کردن است که افراد از روی حرص و آز در دادن حق دیگران خودداری کرده و در نتیجه خود را مرتکب گناه می‌کنند. اهمیت این موضوع به دلیل اینکه یکی از راههای سریع نفوذ شیطان در افراد است بسیار است و به همین دلیل یکی از سوره‌های قرآن با نام «مطففین» به آن اختصاص دارد. «مطففین» در لغت به معنای کم کردن پیمان و وزن است. (قرشی، ج ۵، ۲۲۵)

دزدی

مؤمن دزدی نمی‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» هیچ کسی در حالی که مؤمن باشد دزدی نمی‌کند. (حرعاملی، ج ۱۸، ۴۸۲) یعنی اگر مؤمنی به دزدی مشغول شود، در آن حال از ایمان جدا و ایمان از او سلب شده است. خداوند می‌فرماید: «وَوَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است (مائده ۳۸). حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: علت قطع کردن دست دزد این است که دست او مؤثرترین عضو در سرقت است و بریدن دست او برای عقوبت و عبرت دیگران است تا دیگران جرئت بر دزدی نداشته باشند. دزدی و غصب اموال مردم از این جهت حرام گردیده که امنیت اقتصادی فرد و جامعه را از بین می‌برد و موجب تنازع، قتل و کشتار، ترک داد و ستد و تجارت و بی‌ربوبی به صنعت و نیز باعث به وجود آمدن انواع مفاسد می‌شود (حرعاملی، ج ۱۸، ۴۸۲). بعضی اقدامات افراد به ظاهر دزدی نیست اما بنابر روایات ملحق به دزدی شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه دسته از افراد به عنوان دزد قلمداد می‌شوند: ۱- کسانی که زکات اموالشان را نمی‌پردازند. ۲- افرادی که خوردن مهریه همسرانشان را برای خود جایز می‌دانند و به آنها تحویل نمی‌دهند. ۳- اشخاصی که از کسی مالی را به عنوان قرض می‌گیرند، ولی قصد باز پرداخت آن را ندارند (همان).

خیانت

خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» از هیچ پیامبری خیانت سر نمی‌زند و هر کس که خیانت کند، در روز قیامت [اوبال] خیانتی را که ورزیده است [در میان] خواهد آورد. آن گاه به هر کسی [پاداش] دستاوردش به تمام [او کمال] داده شود و آنان ستم‌نبینند (آل عمران ۱۶۱). این آیه به دنبال آیات غزوه اُحُد نازل شده و پاسخ به کسانی است که گفتند: می‌ترسیم پیامبر در تقسیم غنایم ما را از نظر دور بدارد.

خداوند متعال در این آیه اول ساحت مقدس انبیاء را به طور کلی از خیانت منزّه داشته است، سپس به طور عام می فرماید: هر کس خیانت کند در روز رستاخیز چیزی را که خیانت کرده به عنوان مدرک جرم بر دوش خویش حمل می کند و با خود می آورد و در برابر همگان رسوا می شود (مکارم شیرازی، ج ۳، ۱۹۷). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: دستور داده می شود شخص خائن را در آتش افکنند. پس تا ابد در گودال هایی از آتش دوزخ فرو می رود (حر عاملی، باب ۲، ۶۴۱). امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: از عذاب خداوند بترسید و امانت را به صلحش برگردانید، اگر کشنده حضرت علی (علیه السلام)، مرا بر چیزی امین قرار دهد، حتماً امانتش را به او بر می گردانم (همان).

نتیجه گیری

رزق حلال و حرام یکی از مهمترین و گسترده ترین مباحث فقهی و حقوقی در اسلام است که اثر آن بر ابعاد شخصیتی و تربیتی فرزند غیر قابل انکار است. رزق حلال در قرآن کریم با اوصاف متعددی بیان شده است که این اوصاف عبارتند از: رزق معلوم، رزق طیب، رزق حسن، رزق کریم، به گونه ای می توان گفت این ارزاق دارای مراتب و درجاتی است و بالاترین درجه همان رزق کریم است که به بهشتیان اختصاص دارد.

با در نظر گرفتن آنچه در قرآن کریم و سخنان پیشوایان اسلام درباره لقمه حلال و حرام ارائه شده است و اهمیتی که این موضوع در زندگی فرد ایفا می کند می توان نتیجه گرفت لقمه حلال و حرام بر شخصیت انسان مؤثر است به صورتی که لقمه حلال و حرام می تواند بر ابعاد شخصیتی انسان تأثیر گذاشته و مسیر تکامل و رشد آن را در جهت تکامل قرلر داده و یا دچار اختلال کند و این تأثیر در بعد معنوی شخصیت افراد که زیر بنای ابعاد دیگر است محسوس تر و قابل بررسی دقیق تر از دیدگاه آیات و روایت است.

منابع فارسی

قرآن کریم

۱. امامی اصفهانی، سید محمود (بی تا)، *ثمرات الحیاه*، قائم آل محمد، قم، چاپ پنجم.
۲. آیت اللهی، محمد تقی (۱۳۶۷ ش)، *تغذیه از دیدگاه اسلام*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره ۷.
۳. جعفری، رضا (۱۳۹۹) شرح مثنوی، ج ۱، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۴. حر عاملی، محمد حسن (بی تا)، *وسائل الشیعه*، دار احیاء التراث العربی بیروت.
۵. حسینی، سید علی؛ صمدی، امیرحسین؛ رابطه اکل مال به باطل با خودکشی با توجه به آیه ۲۹ سوره نساء: مجله گام اول، بهار ۱۳۹۹، سال هفتم - شماره ۱۳ صفحه - از ۷ تا ۲۲
۶. ری شهری، محمد (۱۳۷۷ ش)، *میزان الحکمه*، دالحدیث، قم، چاپ اول.
۷. صفورایی، محمد مهدی؛ لقمه‌ی حلال و حرام فصلنامه صباح بهار ۱۳۹۱ - شماره ۲ و ۳ (۳ صفحه) - از ۳۰ تا ۳۲
۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰) ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، انتشارات صدرا.
۱۰. علامه حلی (بی تا) *الفین*، انتشارات سعدی و محمودی، تهران، چاپ اول.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۷۲) تفسیر عیاشی، ج ۲، تهران نشر سمت ۹.
۱۲. فجرری، محمد مهدی؛ لقمه حلال و حرام و آثار آن مبلغان شهریور و مهر ۱۳۹۹ - شماره ۱۳۲ (صفحه - از ۱۰۲ تا ۱۱۶)
۱۳. قاسمی، محمد علی (۱۳۹۰ ش) *روزی حلال*، نور الزهراء، قم، چاپ اول.
۱۴. قرشی سید علی اکبر (۱۳۶۱)، *قاموس قرآن*، دار الکتب السلامیه، بی جا، چاپ ششم
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷ ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیان بعثت، تهران، چاپ سوم.
۱۶. قرضادی، یوسف (۱۳۷۸ ش)، *حلال و حرام در اسلام*، احسان، تهران، چاپ هفتم.
۱۷. کریمی، یوسف (۱۳۷۰ ش)، *روانشناسی شخصیت*، دانشگاه پیام نور (با همکاری انتشارات دلیل)، تهران، چاپ سیزدهم.
۱۸. کشاورزی، احسان و همکاران؛ لقمه حرام و آثار آن در زندگی انسان مجله: مطالعات علوم اجتماعی «زمستان ۱۴۰۰، دوره هفتم - شماره ۴ صفحه - از ۱۵۵ تا ۱۶۲)
۱۹. کلینی (م ۳۲۹ ق)، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۶ ش)، *فروع کافی*، دارالکتب الاسلامی، تهران، چاپ سوم.
۲۰. گوهری، سید اسماعیل، مفاسد مال و لقمه حرام، ص ۳۶، انتشارات احمدی، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت..
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، چاپ الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ق.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، نشر سازمان تبلیغات، ۱۴۱۶ ش.
۲۴. مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۴ ش)، *واجب و حرام*، دفتر نشر هادی، قم، چاپ پنجم.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷ ش)، *انسان کامل*، صدرا، قم، چاپ چهارم.
۲۶. مظاهری، حسین، (۱۳۹۳) تربیت فرزند از نظر اسلام، قم، انتشارات، ام ابیها.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ ش)، *اخلاق در قرآن*، مدرسه الامام علی بین ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول،

۲۸. موسوی، مصطفی؛ رزق در آراء متکلمان اسلامی و بازتاب آن در ادب فارسی مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران «زمستان ۱۳۹۷، سال پنجاه و نهم - شماره ۱۹۹ - ۱۹۱ رتبه علمی-پژوهشی (وزارت علوم) ISC/ صفحه - از ۱۱۱ تا (۱۳۴)
۲۹. مولانا محمد بلخی مولوی، مثنوی، ص ۶۶، بیت ۱۶۴۵، دفتر اول، انتشارات بهنود، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، مطبوعاتی حسینی، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. نوری، محمد رضا (۱۳۸۳ ش)، *بهداشت در قرآن*، انتشارات وافقی، مشهد، چاپ اول.
۳۲. نهاوندی، علی اکبر، (۱۳۹۹) خزئیه الجواهر، موعظه در تأثیر اغذیه از حدیث حلیت و حرمت در انسان، تهران نشر اسلامیه.
۳۳. هاشمی علی آبادی، سیداحمد؛ تحلیل ابعاد تاثیرگذاری لقمه حرام در شخصیت انسان با تاکید بر آیات و روایات مجله: پژوهش نامه اخلاق «تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۴۰ رتبه ب (وزارت علوم 20) ISC/ صفحه - از ۱۰۷ تا ۱۲۶)